

آچارکشی

مشما

● **پوریا عالمی**: جلیل جعفری بنه‌خلخال، نماینده مردم خلخال در مجلس، از واردات خودروهای بی‌کیفیت چینی انتقاد شدید کرد. انتقاد شدید این نماینده مجلس سبب شد خودروهای چینی که در جمع ضایع شده بودند، افسردگی بگیرند. واردکنندگان خودروهای بی‌کیفیت چینی نیز که دست‌وپایشان لرزیده بود، گفتند دوباره گیر دادند به ما چرا؟ مگه همه‌چی اوکی نبود؟ این نماینده مجلس که از واردات خودروهای بی‌کیفیت چینی انتقاد شدید کرده بود، از واردات خودروهای باکیفیت پورشه و لامبورگینی و بی‌ام‌و و به روایتی بی‌ام‌دبلی‌و و به روایت اهل فرنگ بی‌ام‌دبلی‌و و مرسدس‌بنز انتقاد شدید نکرد. این‌طور که این نماینده مجلس از واردات خودروهای بی‌کیفیت چینی انتقاد شدید کرده بود، برای مردم سؤال پیش آمد که این نماینده مجلس تا الان کجا بوده و آیا تازه با به خیابان گذاشته است و تلفات خودروهای چینی را دیده است یا تا الان درگیر مسائل دیگری بوده است. ۹۹رصد مردم از جلیل جعفری بنه‌خلخال، نماینده مردم خلخال، پرسیدند الان از واردات خودروهای بی‌کیفیت چینی انتقاد شدید کردی یعنی با تولید خودروهای بی‌کیفیت داخلی رله و اوکی هستی؟ که جلیل جعفری بنه‌خلخال، نماینده مردم خلخال، گفت نه‌پس. شماره‌گذاری و پلاک‌کردن خودروهای بی‌کیفیت چینی و خودروهای بسیار باکیفیت داخلی که ربطی به آمار تلفات جاده‌ای ندارند، یکی از مهم‌ترین مسائلی است که ذهن برخی مدیران را به خود درگیر کرده، طوری که هرروز برای هم در وایبر جوک می‌فرستند. این نماینده مجلس وسط حرف‌هاش گفت: «خودروهای بی‌کیفیت چینی یک‌سری قوطی‌های خالی هستند که درون آنها پوچ است و معلوم نیست وزارت صنعت چطور مجوز واردات به این خودروها می‌دهد، چه کسانی پشت این کار هستند و چه پول‌هایی جابه‌جا می‌شود». وی تصریح کرد خوشبختانه خودروهای باکیفیت داخلی یک‌سری قوطی‌های خالی نیستند که درون آنها پوچ باشد و من خودم دیدم که در خودروهای باکیفیت داخلی روی صندلی و اینا را مشما می‌کشند. مشما یکی از المان‌های لوکس‌گرایی و نبودن در فرهنگ ایرانی است که هر چیزی که نو باشد را مشما می‌کشند. مثلا صندلی ماشین و سالاد سزار را مشما می‌کشند، اما قفل‌فرمان و سالادشیرازی را مشما نمی‌کشند، که این تفاوت سزار و شیرازی‌هاست، بیشتر محصولات ایرانی جز، کالاهای لوکس جهان به‌شمار می‌روند چون همه آنها را مشما می‌کنند، ما دیروز رقیتم سبزی‌فروشی و دیدیم حتی کاهو و بادمجان را مشما کرده‌اند که متوجه شدیم سبزیجات هم دیگر لوکس شده و می‌شود به دوست و دشمن هدیه‌اش داد.

یاد

نویسنده‌ای که دوست می‌داشتیم

محمود برآبادی - نویسنده کودکان

● « هفت سال از مرگ نویسنده‌ای سخت‌کوش، پرشور و عاشق طبیعت می‌گذرد. نادر ابراهیمی کار نوشتن را با بزرگسالان آغاز کرد اما بعدا به نوستن‌دیگی برای کودکان، و نوجوانان روی آورد و آثار متعددی در این حوزه نوشت. ابراهیمی نویسنده، مترجم، ویراستار، شاعر، پژوهشگر، فیلم‌ساز و درس‌خوانده زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه تهران بود. او در پنج دهه فعالیت ادبی و هنری به تجربه‌های گوناگونی از نوشتن کتاب‌های علمی و آموزشی برای نوجوانان، ساخت فیلم و سریال برای سینما و تلویزیون، ترانه‌سرایی، نگارش رمان، داستان کوتاه و تألیف کتاب‌های نظری در زمینه ویرایش و آماده‌سازی کتاب دست زد. سریال «آتش بدون دود» که داستان کشمکش دو قبیله کولکان و یموت ترکمن بود، «سفرهای دورودر از هامی و کامی در وطن» نیز که جزء اولین سریال‌های رنگی در تلویزیون بود، گونه‌ای مستند داستانی بود که هدفش نشان‌دادن جلوه‌های صبری طبیعت ایران و جاذبه‌های گردشگری اماکن و ائینه تاریخی که نوجوانان بود، کاری که در نوع خود تجربه تازه‌ای به‌شمار می‌رفت. از میان ۵۰ کتابی که ابراهیمی برای کودکان و نوجوانان نوشت می‌شود به دروازخانه (۱۳۴۶)، کلاغ‌ها (۱۳۴۷)، انقلاب به ما چه داد (۱۳۵۸) و ... اشاره کرد.

شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۱۸ خرداد ۱۳۹۴ ● ۲۰ شعبان ۱۴۳۶ ● ۸ ژوئن ۲۰۱۵ ● سال دوازدهم ● شماره ۲۳۱۸ ● ۲۰ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۳ ● اذان مغرب ۲۰:۴۰ ● اذان صبح فردا ۴:۰۳ ● طلوع آفتاب ۵:۴۸

روزنفرها

کارتون خواب

مهدی عزیزی



رو در رو

گفت‌وگو با «باهر» درباره افزایش تعداد پورشه‌های ایران کسی با تلاش اقتصادی صرف به ثروت نمی‌رسد

مهسا علی بیگی: کمپانی پورشه به‌تازگی اعلام کرده است در چندسال اخیر ایران اولین مصرف‌کننده محصولاتش در خاورمیانه است؛ خبری که شاید شنیدنش عجیب به نظر برسد. دکتر «حسین باهر»، جامعه‌شناس و متخصص اقتصاد انسانی، در گفت‌وگو با «شرق»، هم دلایل رواج پورشه‌سواری را بررسی می‌کند و هم درباره تبعاتش هشدار می‌دهد.

❧ **اخیرا خانمی در تهران با پورشه تصادف و فوت کرد. یکی از واکنش‌هایی که در برابر این خبر در شبکه‌های اجتماعی شکل گرفت، اتفاقا به همین نکته اشاره می‌کرد که نباید به هر کسی که پولدار و مرفه است، عنوان درز داد.**

من به‌عنوان کسی که دکتری اقتصاد و تخصص جمل‌زدگی بدتر از جمل‌گرایی است، ما هیچ‌وقت در ایران جمل‌گرایی نداشته‌ایم و نداریم، به هر برسد به جمل‌زدگی. جمل‌زدگی یک تفاوت اساسی با جمل‌گرایی دارد. فرض کنید فردی گردنبند طلائی دارد که برایش کاربرد مصرفی ندارد و صرفا زینتی است. اگر این گردنبند طلا را به نمایش نگذارد، فرد به‌دنبال جمل‌گرایی رفته است، اما اگر این گردنبند طلا را طوری مورد استفاده قرار دهد که به چشم کسی که آن را ندارد، بیاید، جمل‌زدگی است. این مسئله‌ای است که امروز ما آن را در قالب سوارشدن بر ماشین‌های لوکس و گران‌قیمت مشاهده می‌کنیم. این در حالی است که براساس آمارهای مختلف، نیمی از جمعیت کشورمان زیر خط فقر قرار دارند. از میان ۱۰ دهک اصلی درآمدی در کشور یک یا دو دهک مرفهین هستند و یک یا دو دهک نیز کاملا و مطلقا ناتوان هستند. از این میان پنج دهک هم زیر خط فقر هستند. به نظر من اینکه در چنین شرایطی کسی بتواند چنین خودروهایی سوار شود، اگر نگوئیم اختلاس و ارتشا کرده، از رانت‌های اطلاعاتی یا بورس‌های ارزان‌قیمت استفاده کرده که البته کاملا ممکن است. می‌توانیم بگوئیم اقتصاد ناسالم بوده که فردی به این نقطه رسیده



فریدون صدیقی

سرچشمه بسیاری از آلام اجتماعی ما از ساحت و منظر ژورنالیستی، ازمیان رفتن اعتماد است. ما اعتمادبه‌نفسمان را از دست داده‌ایم و متعاقب آن، اعتمادمان به دیگری و دیگران از میان رفته است. وقتی که رسانه‌ها خوانده و شنیده و دیده نمی‌شوند، یعنی مردم به آنها اعتماد ندارند و همین بزنگاه است که مرا نگران حرفه‌ام می‌کند و کم‌کم با کاسته‌شدن از اعتمادبه‌نفسم، زمینه‌ساز کاهش اعتماد به غیر را فراهم می‌کند. اگر قرار باشد که مردم راست نشنوند، اگر در آزمون راستی‌آزمایی آنچه در رسانه‌ها منعکس می‌شود، شکست بخورند، قدرتشان را از دست می‌دهند؛ چطور می‌شود توقع درمان از دارویی داشته باشیم که اطمینانمان را به تأثیرگذاری‌اش از دست داده‌ایم؟ چنین بی‌اعتمادی دامنه‌داری، شکل‌دهنده

آن‌سوی تاریخ

تلخ مثل توهین



حسین انصاری‌راد

نماینده ادوار مجلس

● در قانون جمهوری اسلامی ایران برای توهین و افترا مجازات تعیین شده است. بالاتر از این، قرآن مجید می‌فرماید: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ»؛ یعنی از نظر قرآن دشنام‌دادن حتی اگر به بت‌های کافران باشد هم ناپسند است. اما متأسفانه آنچه در میان برخی چهره‌های سیاسی و فرهنگی دیده می‌شود این است که بدون هیچ تأملی به مخالفان خود نسبت‌های ناروا می‌دهند. یکی از تلخ‌ترین روزهای نمایندگی من روزی بود که در دوره اول مجلس شورای اسلامی، یکی از نمایندگان به خانواده نماینده‌ای دیگر نسبت‌های ثابت‌نشده داد و با الفاظ بسیار بدی درباره همسر و دختر این نماینده صحبت کرد.

ماجرای از این قرار بود که در جریان رسیدگی به پرونده نمایندگان مجلس در کمیسیون تحقیق برای صدور اعتبارنامه، مطالبی درباره همسر و دختر یکی از نمایندگان در پرونده او آمده بود. مخبر کمیسیون تحقیق این مطالب و نسبت‌ها را با ادبیات بسیار بد در صحن مجلس قرائت کرد. به‌جرئت می‌گویم دیدن چنین صحنه‌ای در مجلس به بدترین خاطره من از دوران نمایندگی‌ام تبدیل شد زیرا نسبت ناروادرادن توهین‌کردن به دیگران، هم در دین ما، هم در مذهبمان و هم توسط فقهای ما مردود اعلام شده است. اما متأسفانه می‌بینیم که این اتفاقات تلخ تکرار می‌شود. البته در کنار چهره‌های سیاسی که درباره مخالفانشان تعابیر نادرستی به کار می‌برند، در رسانه‌های مکتوب و مجازی هم گاهی نسبت‌هایی به زنان و مردان مسلمان داده می‌شود که نه‌تنها از نظر اخلاقی جایز نیست بلکه از نظر شرعی حرام است. کسانی که بدون نگرانی از رسیدگی به توهین‌هایشان، به این کار ادامه می‌دهند باید یک نکته را مدنظر قرار دهند و آن اینکه توهین‌کردن راحت‌ترین کاری است که یک انسان بی‌قید و بی‌اخلاق می‌تواند انجام دهد. انسان خردمند، متدین و درستکار هرگز خودش را آلوده به توهین و افترا نمی‌کند.

کشتار

اعتماد به رسانه‌ها؛ تعامل بایکدیگر

باقی است. شاید بشود بر اساس هویت تاریخی‌مان، هویت تازه‌ای بسازیم تا چون دلی در کنار دل دیگر، همدلی سالی کند که ما این‌روزها انکار، مردمان هم‌زبانی هستیم، اما تا همدلی راه باقی است. در آیین رسانه و ژورنالیسم، این فرصت با بازگرداندن بیان واقعیت‌ها به رسانه، زمینه اعتماد مجدد را فراهم می‌کند؛ جایی‌که مردم چیزهایی را بخوانند و ببینند و بشنوند که از جنس دغدغه‌هایشان است. مشکلات اجتماعی، گره‌های هزاران مشکل و معضل جامعه و راه‌حل‌های آن از دل همین رسانه‌هاست که می‌تواند به گوش مردم برسد. طبیعتا نگرانی از شرایط امروز، برای خودم و نسل خودم نیست؛ بلکه بیشتر نگران نسل سوم و چهارم جامعه هستم که با سی‌وچند میلیون جمعیت، بعضا، بدون ایستگاه و مقصد، دچار مونولوگی ملال‌آور شده‌اند و دست به خودفراموشی زده‌اند؛ خودفراموشی با خواب، خودفراموشی با مخدرهای دردسترس و خودفراموشی تا آنجا که سیاره‌شان را گم کنند، اما مطمئنا سیاره ما گم نشده است.

❖ روزنامه‌نگار و مدرس دانشگاه

کافه نظر

با ۳۰ میلیارد تومان خرج موردنظر استقلال و پرسپولیس چه می‌شود کرد؟

سعید برآبادی: یکی از مسئولان عنوان کرده است که دو باشگاه پرسپولیس و استقلال برای بستن تیمی قدرتمند حداکثر به بودجه ۲۵ تا ۳۰ میلیاردتومانی از سوی دولت احتیاج دارند. او از دولت‌مردان درخواست کرده با احتساب هواداران ۴۰ میلیونی این دو تیم و نشاطی که بین این تعداد ایجاد می‌شود، دولت نفری ۷۵۰ تومان در سال به این ۴۰ میلیون نفر یارانه بدهد؛ با سراغ اهالی کتاب و جامعه رقیتم تا پرسیم با این ۳۰ میلیارد تومان یارانه، در بخش‌های اجتماعی، فرهنگی و هنری چه اقداماتی می‌توان انجام داد؟

فرهاد توحیدی ❖ رئیس هیأت مدیره خانه سینما

سرمایه در سینمای ایران، حکم کمیای را دارد. با ۳۰ میلیارد تومان می‌شود برای بسیاری از شهرهای کشور که از داشتن سینما محروم هستند، سالن‌های جدید و کوچک سینما ساخت. اگر زمینی با کاربری فرهنگی داشته باشیم، هر سینمای نوساز با گنجایش ۱۲۰ صندلی، حدودا چهار میلیارد تومان هزینه دارد؛ یعنی می‌شود با این پول، حداقل هفت سینما در پایتخت ساخت. از طرفی با‌سازی سینماهای فرسوده هم یکی دیگر از اولویت‌های سینماست که با این هزینه قابلیت انجام دارد. می‌شود با ۳۰ میلیارد تومان، ۱۵ فیلم خوب را با گشاده‌دستی ساخت. می‌شود حساب کمک هزینه بیکاری سینماگران را ایجاد کرد؛ حسابی که ما ۱۰ سال است در حال دوندگی برای راه‌اندازی آن هستیم تا از هزارو ۲۰۰ سینماگر بیکار حمایت کنیم. در حال‌حاضر این حساب، نیاز به ۱۷ میلیارد تومان سرمایه دارد پس با اندکی تخمین، با این پول می‌شود دو حساب کمک‌هزینه بیکاری را برای سینماگران ایجاد کرد.

محمود آموزگار ❖ رئیس اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران

مجموع قیمت پشت جلد تمام کتاب‌های منتشرشده در بازار کتاب ایران حدودا ۹۰۰ میلیارد تومان در هر سال است که در آن صدها شغل و هزاران نیروی کار وجود دارد. نصف کتاب‌های منتشرشده در این حوزه، کتاب‌های کمک‌آموزشی است که طالبان و هواداران خودش را دارد. اما خرید آن نصفه دیگر که در حوزه عمومی منتشر می‌شوند، می‌تواند زمینه‌ساز فرهنگ‌سازی گسترده در جامعه باشد. اما اگر قرار باشد با خرجی که صرف دو باشگاه فوتبال می‌شود، فعالیتی آینده‌گر در حوزه کتاب انجام شود، پیشنهاد من صرف این پول در حوزه زیرساخت‌هاست. متأسفانه همواره منافع فرهنگی و طولانی‌مدت مردم در چنین شرایطی نادیده گرفته می‌شود. این‌ها همه در حوزه کتاب مشکلات توزیع و فاصله سه‌برابری نشر در پایتخت نسبت به‌کل کشور، نشان می‌دهد که می‌توانیم با این ۳۰ میلیارد تومان، ضعف‌های جدی سیستم توزیع کتاب در کشور را برطرف کنیم. در حال‌حاضر بهترین روش توزیع کتاب در دنیا، توزیع پستی است. اختصاص این میزان پول به پست، می‌تواند زمینه‌ساز توزیع رایگان کتاب به تمام نقاط کشور شود و طبیعتا با ارسال کتاب به مناطق محروم می‌توان زمینه‌ساز یک تحول گسترده فرهنگی بود.

مصطفی اقلیما ❖ رئیس انجمن علمی مددکاران اجتماعی

در بسیاری از کشورهای دنیا، دولت یک ریتال به ورزش کمک نمی‌کند. ساختار ورزش در کشورهای موفق در میادین ورزشی به‌گونه‌ای است که تیم‌های خصوصی هزینه‌های خود را تأمین کرده و با تربیت ورزشکاران این افتخار را پیدا می‌کنند که تیم ملی کشور را بسازند. این رسم غلط درباره فوتبال ما اما همچنان ادامه داشته و حالا حتی برای باشگاه‌هایی که تمام امکاناتشان از قبیل زمین‌های ورزشی، ساختمان‌ها و ... از آن دولت است، رقیمی برای خریدوفروش تعیین می‌شود. آیا به این اندیشیده‌ایم که ۳۰ میلیارد تومان می‌شود در حوزه اجتماعی، چه آسیب‌هایی را کنترل کرد؟ آیا به این موضوع توجه شده که با این میزان پول چطور می‌توان با ساماندهی کودکان خیابانی، آینده‌ای ساخت که از یک‌سو مهار آسیب‌های اجتماعی برای دولت ارزان‌تر باشد و از سوی دیگر مردم احساس امنیت اجتماعی بیشتری داشته باشند؟ درحالی‌که نهادهایی چون کمیته امداد و بهزیستی تنها قادر هستند به خانواده‌های چهارنفره به‌بالا، ماهانه ۴۰ هزار تومان مستمری بدهند. آیا نباید ۳۰ میلیارد تومان پول به‌جای صرف‌شدن در باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس، صرف حوزه‌های اجتماعی شود؟ دولت برای هر زندانی در سال، حدودا ۲۰ میلیون تومان هزینه می‌کند. اما اگر با چنین سرمایه‌ای، مانع از آسیب‌های اجتماعی شویم، اگر سعی کنیم کودکان خیابانی را هدایت کرده و به نهادهای آموزشی و فرهنگی برسانیم و اعتبار را مهار کنیم، آن‌وقت هزینه-فایده این پول بیشتر خواهد بود؟

ادامه از صفحه اول

عدالت و توسعه اکثریت پارلمان را از دست داد

شکست اردوغان؛ پیروزی دموکراسی

سیاسی اردوغان برگزاری رفراندوم تغییرات مدنظر خود در قانون اساسی بود. اگر حزب اردوغان می‌توانست اکثریت مطلق دست‌کم ۳۶۷ کرسی را، که معادل دوسوم کرسی‌های مجلس است، به دست بیاورد، قادر بود این تغییرات را بدون برگزاری رفراندوم و فقط با تصویب مجلس اعمال کند. حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه خواستار افزایش قدرت ریاست‌جمهوری در ترکیه است و متنفدان اردوغان می‌گویند رئیس‌جمهوری ترکیه می‌خواهد قدرت فردی خود را افزایش دهد؛ اما با توجه به نتایجی که سب گذشته به دست آمد، به نظر می‌رسد رؤیای اقتدارگرایانه اردوغان، مغلوب دموکراسی و انتخابات آزاد شده است.

حالا حزب اردوغان برای تشکیل دولت جدید نیز نیازمند ائتلاف با یکی از احزاب راه‌یافته به پارلمان است؛ ائتلافی که با توجه به تضاد مواضع حزب چپ‌گرای جمهوری‌خواه خلق و همچنین حزب جنبش ملی با حزب عدالت و توسعه، به احتمال زیاد بین حزب اردوغان و کردها شکل خواهد گرفت تا ترکیه شاهد اولین دولت ترکی - کردی در تاریخ خود باشد. حزب «عدالت و توسعه» حزب حاکم ترکیه از سال ۲۰۰۲ تاکنون بوده است. این حزب خود را جزء احزاب راست‌گرا و میانه معرفی می‌کند. احمد داووداغلو، نخست‌وزیر ترکیه، دبیرکل این حزب به شمار می‌رود؛ اما قدرت اصلی و مرد شماره یک این حزب، رجب‌طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه است.

پس از این دو، حزب جنبش ملی هم با کسب ۱۶.۵ درصد آرا، سومین حزب راه‌یافته به پارلمان ترکیه است. حزب چپ‌گرای «کرد» دموکراتیک خلق‌ها (HDP) نیز با کسب ۱۲.۵ درصد آرا، ضمن کسب حد تصاب ۱۰ درصدی موردنیز، وارد پارلمان ترکیه شد. «نوزات بینگول»، روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی ترک، پیش از برگزاری انتخابات، در خصوص رقابت بین حزب «کرد» دموکراتیک خلق با حزب حاکم در انتخابات پیش‌رو گفته بود که حزب دموکراتیک خلق در انتخابات سراسری سال جاری به عنوان حزب مستقل در انتخابات شرکت می‌کند و نامزدهای انتخاباتی خود را علاوه بر کردها از گروه‌های قومی دیگر همچون آشوری، ایزدی و ارمنی انتخاب کرده است.

نتایج این دوره انتخابات پارلمانی برای رجب‌طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه و حزب حاکم عدالت و توسعه سر‌نوشت‌ساز بود. به گزارش آسوشیتدپرس، با وجود اینکه در این انتخابات حزب عدالت و توسعه از رقبای خود در این انتخابات پیشی گرفته، اما برای اینکه بتواند تغییراتی در قانون اساسی ایجاد کند و اختیارات ریاست‌جمهوری را افزایش دهد، نیازمند کسب دوسوم کرسی‌های پارلمان ترکیه است. پارلمان ترکیه ۵۵۰ کرسی دارد. تعداد واجدان شرایط رأی‌دادن در ترکیه و خارج از این کشور، ۵۵ میلیون نفر هستند و درصورتی‌که حزب عدالت و توسعه می‌توانست حداقل ۳۳۰ کرسی را به‌دست آورد، برنامه